

تنها زیستی سالمندان در ایران بر حسب تفاوت‌های سنی و جنسیتی: شیوع و عوامل مرتبط

مه‌ری شمس قهفرخی*^۱

۱. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

نشریه پایش

سال هجدهم، شماره چهارم، مرداد - شهریور ۱۳۹۸، صص ۳۵۷-۳۶۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۶/۴

نشر الکترونیک پیش از انتشار - ۹ شهریور ۹۸

چکیده

مقدمه: در این مطالعه الگو و روند تنهازیستی سالمندان در طول پنج دوره سرشماری گذشته در ایران بررسی گردیده و سپس ویژگی‌های افراد سالمند تنها توصیف شده است. همچنین تعیین شد که تا چه حد ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مربوط به تنهازیستی سالمندان است. این یافته‌ها نه تنها اطلاعاتی در مورد پویایی ترتیبات زندگی ارائه می‌دهد، بلکه شواهدی در مورد تغییرات زندگی خانوادگی در ایران را فراهم می‌آورد.

مواد و روش کار: داده‌ها از " نتایج منتشر شده سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵)" و دیگری "داده‌های فردی ۲ درصد سرشماری سال ۱۳۹۵" استخراج شده است. به منظور بررسی اهمیت نسبی همبسته‌های متفاوت تنهازیستی سالمندان، مجموعه‌ای از مدل‌های رگرسیون لجستیک با استفاده از نرم افزار STATA برای داده‌های فردی سرشماری ۱۳۹۵ به کار برده شد.

یافته‌ها: نسبت سالمندانی که در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ تنها زندگی می‌کردند، به ترتیب برابر با ۹/۱، ۹/۰، ۱۰/۹، ۱۴/۵ و ۱۴/۹ درصد بود. تنهازیستی با سکونت در شهر، مرد بودن، تحصیلات (راهنمایی یا متوسطه)، بیوه بودن، طلاق، ازدواج نکردن، دارای درآمد بدون کار، سایر فعالیتها، خانه‌داری، سن ۶۹-۶۰ و سن ۷۹-۷۰ مرتبط است. همچنین متغیرهای وارد شده در تحلیل، قادر به تبیین ۴۳ درصد از تغییرات تنهازیستی سالمندان در کل نمونه بود (مردان ۴۸ درصد و زنان ۳۵ درصد).

بحث و نتیجه گیری: در صورت تداوم افزایش تنهازیستی سالمندان و نبود سازمانهای حمایت کننده، شرایط دشوارتری برای آنان در آینده ایجاد خواهد شد. پس با توجه به آسیب‌پذیر بودن سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند، مخصوصاً با افزایش سن، نیاز به سیاست-گذاری و داشتن برنامه‌ریزی برای ایجاد مراکز رسمی مراقبت از سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند و شبکه حمایت خانوادگی ندارند، بیشتر است.

کلیدواژه: سالمند، تنهازیستی، وضعیت تأهل، محل سکونت، جنسیت، سن، ایران

کد اخلاق: IR.UI.REC.1398.001

* نویسنده پاسخگو: اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی

E-mail: mehri_shams2001@yahoo.com

مقدمه

سالخوردگی جمعیت در تمامی جهان در حال رخ دادن است، تقریباً از هر کشوری در جهان انتظار می‌رود افزایش قابل توجهی در نسبت جمعیت ۶۰ سال و بالاتر بین سالهای ۲۰۱۷ تا ۲۰۵۰ داشته باشد. در سراسر جهان، سالمندان نزدیک به ۱۳ درصد جمعیت در سال ۲۰۱۷ را تشکیل می‌دهند و انتظار می‌رود سهم‌شان از جمعیت جهان، تا سال ۲۰۵۰ به ۲۱ درصد افزایش یافته و تا پایان قرن بیست و یکم به ۲۸ درصد برسد. سالخوردگی جمعیت همراه با تغییرات گسترده اجتماعی و اقتصادی است که در سرتاسر جهان رخ می‌دهد، افزایش درآمد و سطح تحصیلات، پیشرفت در جهت برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان، بهبود سلامت عمومی، از جمله دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی باروری و جنسی، و فن‌آوری‌های پزشکی، و همچنین جهانی شدن، شهرنشینی و مهاجرت، از جمله مسائل نوظهور جمعیتی است. هر یک از این تحولات، تغییراتی را در زمینه‌هایی که سالمندان در آن زندگی می‌کنند، از جمله ترکیب خانواده‌هایشان ایجاد می‌کنند [۱]. ترتیبات زندگی، یک موضوع مهم در گفتمان سالمندی جمعیت است و روابط فامیلی و غیرفامیلی را با کسانی که با سالمندان اقامت مشترک دارند را نشان می‌دهد [۲]. همچنین، مراقبت و حمایت اجتماعی فوری و نزدیک را برای سالمندان آسیب‌پذیر فراهم می‌سازد [۳]. یک نوع از ترتیبات زندگی، تنهازیستی است، تنهازیستی به این معنا است که سالمند در خانوار به تنهایی زندگی می‌کند. در جهان در مورد ظهور این جنبه از ترتیبات زندگی مطالعات بسیاری صورت گرفته است [۹-۴]، اما در ایران، مطالعات اندکی به این موضوع پرداخته‌اند که یا بصورت نمونه‌گیری انجام شده است و یا بصورت کلی این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند [۱۰-۱۲] و از آنجایی که چنین دانش و شواهدی در مورد زندگی سالمندان، می‌تواند ظرفیت تصمیم‌گیری، طراحی و برنامه‌ریزی و تدوین خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مبتنی بر شواهد را در کشور تقویت نماید، از اهمیت بالایی برخوردار است. روز به روز بر سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند افزوده می‌شود. تنهازیستی یک عامل خطر جدی برای کاهش سلامت در سالمندان است [۱۳، ۸]. در اکثر مطالعات نشان داده شده است که تنها زندگی کردن منجر به کاهش سلامت روان [۱۴-۱۶]، افسردگی [۱۷، ۱۸] و مرگ و میر بالاتر [۱۹] و احساس تنهایی [۲۰] می‌گردد. به گزارش سازمان ملل متحد در میان ۱۴۳ کشور یا منطقه مورد مطالعه، درصد متوسط افراد ۶۰ سال و بالاتر که تنها زندگی

می‌کردند، ۱۲ درصد بود. برآوردها از کمترین میزان با ۱ درصد در افغانستان و پاکستان تا بیشترین درصد با ۳۴ درصد در لیتوانی بود. برای نیمی از کشورها، نسبت تنها زیستی، بین ۷ تا ۲۱ درصد بود [۱]. ترتیبات زندگی توسط تعامل سه عامل جمعیتی، اقتصادی و فرهنگی تعیین می‌گردد. اولاً عامل جمعیتی، بستر فرصت‌های اقامت مشترک را شکل می‌دهد. جوامع با باروری بالا، قاعدتاً خانواده‌های بزرگتری نسبت به جوامع با باروری پایین دارند. افزایش امید زندگی، احتمال هم‌سکنایی بین نسلی را افزایش می‌دهد، زیرا همپوشانی طول عمر بین دو نسل طولانی‌تر می‌شود. ثانیاً، عوامل اقتصادی و فرهنگی، عوامل مؤثر در تحقق این فرصت‌های جمعیتی برای هم‌سکنایی هستند [۲۱].

این مقاله با استفاده از نتایج منتشر شده سرشماریهای متوالی ایران (۱۳۹۵-۱۳۶۵) و ۲ درصد داده‌های فردی سرشماری ۱۳۹۵، به بررسی الگو و روند تنهازیستی سالمندان در ایران می‌پردازد. در ابتدا، شیوع تنهازیستی در طول پنج دوره سرشماری گذشته بررسی گردیده است، سپس ویژگیهای افراد سالمند تنها توصیف شده و در ادامه، تعیین اینکه تا چه حد ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مربوط به تنهازیستی سالمندان است مورد بررسی قرار گرفته است. این یافته‌ها نه تنها اطلاعاتی در مورد پویایی ترتیبات زندگی ارائه می‌دهد، بلکه شواهد بیشتری در مورد تغییرات زندگی خانوادگی در ایران نیز فراهم می‌آورد.

مواد و روش کار

داده‌ها از دو منبع اصلی "یکی نتایج منتشر شده سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵)" و دیگری "داده‌های فردی ۲ درصد سرشماری سال ۱۳۹۵" گرفته شده است. سالمند تنها، به عنوان فردی تعریف می‌شود که ۶۰ ساله و یا بالاتر باشد و در خانواری باشد که تنها یک عضو داشته باشد. به منظور شناسایی الگوهای تنها زیستی سالمندان، جنس، سن، وضع زناشویی، تحصیلات و وضع فعالیت سالمندان تنها، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج منتشر شده سرشماری‌ها، تنها اطلاعاتی در مورد سن و جنس سالمندان ارائه می‌دهند. بنابراین متغیرهای دیگر (برای مثال، وضع زناشویی، تحصیلات و وضع فعالیت) از داده‌های فردی سرشماری ۱۳۹۵ استخراج شده است. این محدودیت باعث شده است که تغییرات، در ترکیب سنی و جنسی سالمندان تنها در طول زمان بررسی شود. متغیرهای دیگر بین سالمندان تنها و

۵۰/۲۲ درصد و ازدواج کرده‌ها با ۱/۳۸ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در کل کشور، از سالمندان بیسواد ۱۵/۵۵ درصد، از سالمندان با تحصیلات ابتدایی ۱۰/۶۳ درصد، از سالمندان با تحصیلات راهنمایی و متوسطه ۸/۳۹ درصد، از سالمندان با تحصیلات دیپلم ۸/۵۱ درصد و از سالمندان با تحصیلات دانشگاهی ۷/۸۹ درصد، تنها زندگی می‌کنند. همچنین میزان سالمندان تنها زیست شاغل نیز ۸/۸۷ درصد بوده است.

تحلیل چند متغیره

این بخش نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک برای تأثیر همبسته‌های متفاوت تنها زیستی سالمندان، را ارائه می‌دهد. (جدول شماره ۳ نتایج را برای کل جمعیت، هم برای زنان و هم برای مردان ارائه می‌دهد). در حالیکه جدول شماره ۴ نتایج را برای مردان و جدول شماره ۵ نتایج را برای زنان ارائه می‌دهد. در همه این جداول، ستون ۱، نسبت برتری کنترل نشده را نشان می‌دهد، که اثر هر متغیر را بدون در نظر گرفتن تأثیر دیگر متغیرها، ارائه می‌دهد. ستون ۲، نسبت برتری کنترل شده که از یک مدل کامل (شامل تمامی متغیرها)، برآورد شده است، را نشان می‌دهد. ستونهای ۳، ۴ و ۵، به ترتیب شامل نتایج برای مراحل اوان سالمندی (۶۹-۶۰ سال)، سالمندی میانی (۷۹-۷۰ سال) و کهنسالی (۸۰ سال و بیشتر) می‌باشد.

زندگی در مناطق روستایی، زن بودن، بیسوادی، ازدواج نکردن، در حال تحصیل بودن، دارای درآمد بدون کار، خانه‌داری، سایر فعالیتها و کهنسالی همگی بخت تنها زیستن را بالا می‌برند. شهریها نسبت به روستائیان و مردان نسبت به زنان بخت تنهازیستی بیشتری داشتند. بخت تنهازیستی در سالمندان بیسواد و دارای تحصیلات ابتدایی، به ترتیب ۲/۸ و ۱/۴ برابر سالمندان دارای تحصیلات دانشگاهی و تنها زیستی ازدواج نکرده‌ها، طلاق گرفته‌ها و بیوه‌ها به ترتیب ۸۸/۴، ۷۸ و ۷۲/۲۷ برابر ازدواج کرده‌ها بود. بخت تنها زیستی در وضعیت دارای درآمد بدون کار بودن ۲/۵ برابر، در حال تحصیل بودن ۲/۲ برابر سایر فعالیتها ۱/۷ برابر و خانه‌داران ۱/۵ برابر شاغلان بود. تنها زیستی سالمندان در مراحل اوان سالمندی و سالمندی میانی، کمتر از کهنسالی بود (ستون ۱ از جداول ۴ و ۵). بعد از در نظر گرفتن تأثیر تمامی متغیرها، زندگی در مناطق روستایی، زن بودن، ازدواج نکردن، طلاق و بیوگی، خانه‌داری و کهنسالی همگی بخت تنها زیستن را بالا برد. چند تغییر بعد از کنترل دیگر متغیرها، مشاهده شده، نخست آن که تحصیلات تأثیر

غیرتنها مقایسه می‌شوند. بررسی دو گروه در یک سال مشخص، درک بهتری از تفاوتها را ارائه می‌دهد (برای مثال سال ۱۳۹۵). در نهایت به منظور بررسی اهمیت نسبی، همبسته‌های متفاوت تنهازیستی سالمندان، مجموعه‌ای از مدل‌های رگرسیون لجستیک با استفاده از نرم افزار STATA برای داده‌های فردی سرشماری ۱۳۹۵ به کار برده می‌شود. به منظور فهم چگونگی تأثیر متفاوت بین زنان و مردان و در سنین مختلف سالمندی، مدل‌های رگرسیون لجستیک بر حسب جنس و سن سالمندان برآورد گردیده است. گروه‌های سنی، مراحل اوان سالمندی (۶۹-۶۰ سال)، سالمندی میانی (۷۹-۷۰ سال) و کهنسالی (۸۰ سال و بیشتر) را نشان می‌دهند.

یافته‌ها

جدول شماره ۱ روند نسبت سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند را به تفکیک جنس و محل سکونت در طول سه دهه گذشته، نشان می‌دهد. در سطح کل کشور، در سال ۱۳۶۵، سالمندانی که تنها زندگی می‌کردند، در حدود ۹/۱ درصد بوده است. در سال ۱۳۷۵، کمی کاهش داشت و به ۹ درصد رسیده، در سال ۱۳۸۵ به ۱۰/۹ درصد، در سال ۱۳۹۰ به ۱۴/۵ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۱۴/۹ درصد رسیده است. بیشترین افزایش بین سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بوده که در حدود ۳۳ درصد افزایش یافته است. شیوع تنها زندگی کردن به طور قابل توجهی در نواحی شهری و روستایی رو به افزایش است و اما بیشترین تفاوت روستا، شهری در سال ۱۳۹۵ مشاهده می‌شود. به طوری که، ۱۴/۵ درصد از سالمندان شهری، و ۱۶/۰ درصد از سالمندان روستایی تنها زندگی می‌کنند. تفاوت قابل توجه بین زنان و مردان در تنها زندگی کردن در تمامی سالهای سرشماری مشاهده می‌شود و اما بیشترین تفاوت در سال ۱۳۹۰، با ۵ درصد مردان در مقابل ۲۳/۶ درصد زنان و در سال ۱۳۹۵، با ۵/۵ درصد مردان در مقابل ۲۴/۱ درصد زنان ملاحظه می‌شود. همین الگو برای تفاوت بین دو جنس برای مناطق شهری و روستایی نیز مشاهده می‌شود.

همانگونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، با افزایش سن، نسبت سالمندان تنها بیشتر می‌شود، تا جایی که ۳۰ درصد سالمندان ۸۰ سال و بیشتر تنها زندگی می‌کنند. ملاحظه می‌شود، ۵۵/۲۴ درصد سالمندانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، تنها زندگی می‌کنند و بعد از آن طلاق گرفته‌ها با ۵۲/۱۲ درصد و بیوه‌ها با

ترتیب، بخت تنه‌زیستی را در تمامی سنین هم برای کل و هم برای مردان و هم برای زنان، نسبت به وضعیت تأهل ازدواج کرده، بالا می‌برند.

برای کل کشور در اوایل سالمندی، دارای درآمد بدون کار بودن باعث کاهش، و خانه‌داری باعث افزایش بخت تنه‌زیستی شده است. در سالمندی میانی، در حال تحصیل بودن و خانه‌داری، بخت تنه‌زیستی را بالا می‌برد. در این دوران، برای زنان، فقط در حال تحصیل بودن معنادار شده است و که باعث افزایش بخت تنه‌زیستی گردیده است. و برای زنان، خانه‌داری باعث افزایش و سایر فعالیتها باعث کاهش بخت تنه‌زیستی می‌گردد. در دوران کهنسالی، خانه‌داری هم برای کل و هم برای زنان، بخت تنه‌زیستی را نسبت به شاغلان، افزایش می‌دهد.

شایان ذکر است متغیرهای وارد شده در تحلیل، قادر به تبیین ۴۳ درصد از تغییرات تنه‌زیستی سالمندان در کل نمونه شده‌اند این میزان برای مردان ۴۸ درصد و زنان ۳۵ درصد بود. (ردیف آخر جداول ۳، ۴، ۵).

چندانی بر بخت تنه‌زیستی ندارد. دیگر آنکه دارای درآمد بدون کار بودن و سایر فعالیتها، نسبت به شاغلان، بخت تنه‌زیستی را کاهش می‌دهند. (ستون ۲ از جدول ۴ و ۵).

ستونهای ۳-۵، نسبت برتری کنترل شده را برای سنین اوایل سالمندی (۶۹-۶۰ سال)، سالمندی میانی (۷۹-۷۰ سال) و کهنسالی (۸۰ سال و بیشتر) نشان می‌دهد. در تمامی سنین زندگی در مناطق روستایی هم تنه‌زیستی مردان و هم تنه‌زیستی زنان را افزایش می‌دهد. همچنین در همه سنین، زن بودن، بخت تنه‌زیستی را بالا می‌برد. برای مردان در اوایل سالمندی، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و متوسطه و در سالمندی میانی، تحصیلات دیپلم و در کهنسالی، بیسوادی و تحصیلات ابتدایی، نسبت به تحصیلات دانشگاهی باعث کاهش بخت تنه‌زیستی می‌گردد. برای زنان، تنها در اوایل سالمندی است که بیسوادی و تحصیلات ابتدایی باعث افزایش بخت تنه‌زیستی می‌گردد و برای سالمندی میانی و کهنسالی، شواهدی که مبتنی بر رابطه تحصیلات و تنه‌زیستی باشد، مشاهده نشد. وضعیت تأهل، ازدواج نکردن، طلاق و بیوگی به

جدول ۱: نسبت سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند از جمعیت ۶۰+ به تفکیک جنس و محل سکونت، ۱۳۹۵-۱۳۶۵ [۲۲]

جنس	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
کل کشور					
مرد	۳/۸	۳/۷	۳/۹	۵/۰	۵/۵
زن	۱۵/۰	۱۵/۱	۱۸/۴	۲۳/۶	۲۴/۱
کل	۹/۱	۹/۰	۱۰/۹	۱۴/۵	۱۴/۹
شهر					
مرد	۳/۶	۳/۵	۳/۸	۴/۸	۵/۰
زن	۱۴/۳	۱۵/۰	۱۹/۰	۲۴/۰	۲۳/۸
کل	۸/۹	۹/۰	۱۱/۲	۱۴/۶	۱۴/۵
روستا					
مرد	۴/۱	۳/۸	۴/۱	۵/۴	۶/۷
زن	۱۵/۹	۱۵/۲	۱۷/۳	۲۲/۷	۲۴/۸
کل	۹/۴	۸/۹	۱۰/۴	۱۴/۲	۱۶/۰

جدول ۲: درصد سالمندان تنها و غیر تنهای ۶۰ سال و بالاتر بر حسب ترکیب سنی، وضعیت ازدواج، تحصیلات و وضعیت فعالیت، ایران، ۱۳۹۵ [۲۳]

سالمند غیر تنها			سالمند تنها			ترکیب سنی
کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	
۹۱/۲۸	۸۵/۹۸	۹۶/۹۵	۸/۷۲	۱۴/۰۲	۳/۰۵	۶۰-۶۹ ساله
۸۰/۳۶	۶۶/۶۷	۹۴/۲۹	۱۹/۶۴	۳۳/۳۳	۵/۷۱	۷۰-۷۹ ساله
۶۹/۹۷	۵۲/۲۷	۸۵/۸۱	۳۰/۰۳	۴۷/۷۳	۱۴/۱۹	۸۰ سال و بیشتر
۹۸/۶۲	۹۸/۰۹	۹۸/۹۵	۱/۳۸	۱/۹۱	۱/۰۵	وضعیت ازدواج کرده
۴۹/۷۸	۴۹/۹۹	۴۸/۴۸	۵۰/۲۲	۵۰/۰۱	۵۱/۵۲	بیوه
۴۷/۸۸	۵۲/۴۹	۳۹/۴۵	۵۲/۱۲	۴۷/۵۱	۶۰/۵۵	طلاق گرفته
۴۴/۷۶	۴۷/۳۷	۳۹/۷۷	۵۵/۲۴	۵۲/۶۳	۶۰/۲۳	هرگز ازدواج نکرده
تحصیلات						
۸۰/۴۵	۷۳/۱۸	۹۲/۵۱	۱۵/۵۵	۲۶/۸۲	۷/۴۹	بیسواد
۸۹/۳۷	۸۰/۱۲	۹۵/۷۷	۱۰/۶۳	۱۹/۸۸	۴/۲۳	ابتدایی
۹۱/۶۱	۸۲/۹۲	۹۶/۶۷	۸/۳۹	۱۷/۰۸	۳/۳۳	راهنمایی و متوسطه
۹۱/۴۹	۸۴/۳۳	۹۵/۸۶	۸/۵۱	۱۵/۶۷	۴/۱۴	دیپلم
۹۲/۱۱	۸۲/۶۶	۹۵/۱۵	۷/۸۹	۱۷/۳۴	۴/۸۵	دانشگاهی
وضعیت فعالیت						
۹۱/۱۳	۷۰/۸۲	۹۵/۱۶	۸/۸۷	۲۹/۱۸	۴/۸۴	شاغل
۹۳/۴۷	۸۴/۲۷	۹۴/۹۵	۶/۵۳	۱۵/۷۳	۵/۰۵	در جستجوی کار
۸۲/۴۱	۶۴/۵۲	۸۹/۶۱	۱۷/۵۹	۳۵/۴۹	۱۰/۳۹	در حال تحصیل
۸۰/۴۸	۸۰/۴۶	۸۱/۷۰	۱۹/۵۲	۱۹/۵۴	۱۸/۳۰	خانه‌دار
۸۷/۲۳	۵۷/۱۵	۹۵/۲۸	۱۲/۷۷	۴۲/۸۵	۴/۷۲	دارای درآمد بدون کار
۸۵/۷۹	۶۴/۳۸	۹۲/۱۹	۱۴/۲۱	۳۵/۶۲	۷/۸۱	سایر فعالیتها

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک همبسته‌های تنها زیستی زنان و مردان، ایران، ۱۳۹۵

(۱) نسبت برتری کنترل نشده	(۲) نسبت برتری کنترل شده	(۳) نسبت برتری کنترل شده (۶۰-۶۹ ساله)	(۴) نسبت برتری کنترل شده (۷۰-۷۹ ساله)	(۵) نسبت برتری کنترل شده (۸۰ ساله و بیشتر)	
۰/۹۰ ***	۰/۷۸ ***	۰/۸۴ ***	۰/۷۸ ***	۰/۷۱ ***	محل سکونت
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	شهر
					روستا
۰/۱۹ ***	۰/۷۶ ***	۰/۸۱ ***	۰/۶۶ ***	۰/۷۹ ***	جنس
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	مرد
					زن
۲/۸۴ ***	۰/۹۹ NS	۱/۰۶ NS	۱/۰۴ NS	۰/۷۹ NS	تحصیلات
۱/۳۹ ***	۱/۰۶ NS	۱/۰۹ NS	۱/۱۲ NS	۰/۹۲ NS	بیسواد
۱/۰۷ NS	۰/۸۸ *	۰/۸۴ *	۱/۰۱ NS	۰/۸۶ NS	ابتدایی
۱/۰۹ NS	۰/۹۷ NS	۰/۹۳ NS	۱/۱۶ NS	۱/۰۰ NS	راهنمایی و متوسطه
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	دیپلم
					دانشگاهی
۷۲/۲۷ ***	۵۸/۶۷ ***	۵۸/۵۵ ***	۰۶۴/۸۵ ***	۴۹/۳۶ ***	وضعیت تأهل
۷۸/۰۱ ***	۸۲/۴۳ ***	۹۱/۰۵ ***	۷۰/۳۸ ***	۵۹/۲۳ ***	بیوه
۸۸/۴۴ ***	۸۹/۵۶ ***	۸۹/۰۶ ***	۱۱۰/۷۲ ***	۵۳/۷۶ ***	طلاق گرفته
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	هرگز ازدواج نکرده
					ازدواج کرده
۰/۷۲ *	۰/۹۲ NS	۰/۶۸ NS	۰/۹۴ NS	۲/۰۷ NS	وضع فعالیت
۲/۱۹ ***	۲/۰۱ NS	۲/۳۴ NS	۷/۶۴ **	۰/۳۸ NS	در جستجوی کار
۲/۴۹ ***	۰/۸۹ ***	۰/۷۵ ***	۰/۹۶ NS	۱/۱۱ NS	در حال تحصیل
۱/۵۰ ***	۱/۲۷ ***	۱/۱۲ *	۱/۳۲ ***	۱/۵۷ ***	دارای درآمد بدون کار
۱/۷۰ ***	۰/۸۵ ***	۱/۰۰ NS	۰/۸۴ *	۰/۹۲ NS	خانه‌دار
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	سایر فعالیتها
					شاغل

سن	۰/۲۲ ***	۰/۴۸ ***	-	-	-
۶۰-۶۹ ساله	۰/۲۲ ***	۰/۴۸ ***	-	-	-
۷۰-۷۹ ساله	۰/۵۷ ***	۰/۸۶ ***	-	-	-
۸۰ سال و بیشتر	Ref.	Ref.	-	-	-
عرض از مبدا	-	۰/۰۲ ***	۰/۰۱ ***	۰/۰۱ ***	۰/۰۲ ***
Pseudo R2	-	۰/۴۳	۰/۴۱	۰/۴۳	۰/۳۵

نکته: سطوح مختلف معناداری؛ * سطح ۵ درصد ($P < 0.05$)، ** سطح ۱ درصد ($P < 0.01$) و *** سطح ۰/۱ درصد ($P < 0.001$) و NS غیرمعنادار

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک همبسته‌های تنها زیستی مردان، ایران، ۱۳۹۵

محل سکونت	(۱) نسبت برتری کنترل نشده	(۲) نسبت برتری کنترل شده	(۳) نسبت برتری کنترل شده	(۴) نسبت برتری کنترل شده	(۵) نسبت برتری کنترل شده
شهر	۰/۷۳ ***	۰/۷۲ ***	۰/۷۳ ***	۰/۷۴ ***	۰/۷۰ ***
روستا	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
تحصیلات					
بیسواد	۱/۵۹ ***	۰/۸۰ **	۰/۸۵ NS	۱/۰۶ NS	۰/۵۲ **
ابتدایی	۰/۸۶ *	۰/۸۲ *	۰/۷۵ *	۱/۰۴ NS	۰/۶۱ *
راهنمایی و متوسطه	۰/۶۸ ***	۰/۶۸ ***	۰/۵۷ ***	۰/۹۵ NS	۰/۶۰ NS
دیپلم	۰/۸۵ *	۰/۹۳ NS	۰/۷۹ NS	۱/۵۶ *	۰/۷۶ NS
دانشگاهی	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
وضعیت تأهل					
بیوه	۹۹/۸۹ ***	۸۵/۲۵ ***	۷۳/۵۸ ***	۹۵/۴۵ ***	۹۱/۹۷ ***
طلاق گرفته	۱۴۴/۲۶ ***	۱۵۷/۹۵ ***	۱۶۷/۱۴ ***	۱۶۳/۸۷ ***	۱۰۲/۶۶ ***
هرگز ازدواج نکرده	۱۴۲/۳۵ ***	۱۴۹/۷۷ ***	۱۴۸/۷۱ ***	۱۹۴/۰۵ ***	۹۰/۲۰ ***
ازدواج کرده	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
وضعیت فعالیت					
در جستجوی کار	۱/۰۵ **	۰/۸۹ NS	۰/۵۱ NS	۱/۰۴ NS	۲/۳۰ NS
در حال تحصیل	۲/۲۸ NS	۲/۱۴ NS	۱/۳۲ NS	۱/۰۸ *	۱/۰۲ NS
دارای درآمد بدون کار	۴/۴۰ ***	۰/۹۰ NS	۰/۵۳ *	۱/۲۸ NS	۱/۰۰ NS
خانه‌دار	۰/۹۷ ***	۱/۰۹ NS	۰/۸۷ NS	۱/۲۰ NS	۱/۱۰ NS
سایر فعالیتها	۱/۷ ***	۱/۰۸ NS	۰/۹۷ NS	۱/۰۸ NS	۰/۹۴ NS
شاغل	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
سن					
۶۰-۶۹ ساله	۰/۱۹ ***	۰/۵۶ ***	-	-	-
۷۰-۷۹ ساله	۰/۳۷ ***	۰/۷۵ ***	-	-	-
۸۰ سال و بیشتر	Ref.	Ref.	-	-	-
عرض از مبدا	-	۰/۰۲ ***	۰/۰۱ ***	۰/۰۱ ***	۰/۰۱ ***
Pseudo R2	-	۰/۴۸	۰/۴۱	۰/۴۷	۰/۴۸

نکته: سطوح مختلف معناداری؛ * سطح ۵ درصد ($P < 0.05$)، ** سطح ۱ درصد ($P < 0.01$) و *** سطح ۰/۱ درصد ($P < 0.001$) و NS غیرمعنادار

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک همبسته‌های تنها زیستی زنان، ایران، ۱۳۹۵

محل سکونت	(۱) نسبت برتری کنترل نشده	(۲) نسبت برتری کنترل شده	(۳) نسبت برتری کنترل شده	(۴) نسبت برتری کنترل شده	(۵) نسبت برتری کنترل شده
شهر	۰/۹۶ *	۰/۷۹ ***	۰/۸۵ **	۰/۷۹ ***	۰/۷۳ ***
روستا	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
تحصیلات					
بیسواد	۱/۷۵ ***	۱/۱۷ *	۱/۲۶ **	۱/۰۵ NS	۱/۱۹ NS
ابتدایی	۱/۱۸ **	۱/۲۹ ***	۱/۳۴ **	۱/۱۹ NS	۱/۴۲ NS
راهنمایی و متوسطه	۰/۹۸ NS	۱/۰۸ NS	۱/۰۶ NS	۱/۰۹ NS	۱/۲۸ NS
دیپلم	۰/۸۹ NS	۱/۰۶ NS	۱/۰۶ NS	۱/۰۵ NS	۱/۳۹ NS
دانشگاهی	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.

وضعیت تأهل				
۱۷/۲۷ ^{***}	۴۴/۳۰ ^{***}	۴۶/۲۰ ^{***}	۴۰/۳۵ ^{***}	۵۱/۴۴ ^{***}
۲۰/۰۶ ^{***}	۳۶/۱۷ ^{***}	۵۸/۰۷ ^{***}	۴۵/۵۸ ^{***}	۴۶/۵۵ ^{***}
۱۸/۳۶ ^{***}	۶۵/۵۱ ^{***}	۶۰/۰۵ ^{***}	۵۴/۰۰ ^{***}	۵۷/۱۲ ^{***}
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
وضع فعالیت				
۳/۲۴ ^{NS}	۰/۷۷ ^{NS}	۰/۸۸ ^{NS}	۱/۰۴ ^{NS}	۰/۴۵ ^{***}
۱/۰۰	۵/۵۷ ^{NS}	۳/۴۱ [*]	۲/۱۱ ^{NS}	۱/۳۳ ^{NS}
۱/۲۰ [*]	۰/۹۱ ^{NS}	۰/۸۳ ^{**}	۰/۹۵ ^{NS}	۰/۵۹ ^{***}
۲/۲۳ ^{***}	۱/۴۴ ^{***}	۱/۴۰ ^{***}	۱/۶۰ ^{***}	۱/۸۲ ^{***}
۰/۹۰ ^{NS}	۰/۷۲ ^{***}	۱/۰۵ ^{NS}	۰/۸۲ ^{***}	۱/۳۴ ^{***}
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
سایر فعالیتها				
-	-	-	۰/۴۶ ^{***}	۰/۱۸ ^{***}
-	-	-	۰/۸۹ ^{***}	۰/۵۵ ^{***}
-	-	-	Ref.	Ref.
۰/۰۲ ^{***}	۰/۰۱ ^{***}	۰/۰۲ ^{NS}	۰/۰۳ ^{***}	-
۰/۱۴	۰/۳۰	۰/۳۵	۰/۳۵	-
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
شاغل				
-	-	-	۰/۴۶ ^{***}	۰/۱۸ ^{***}
-	-	-	۰/۸۹ ^{***}	۰/۵۵ ^{***}
-	-	-	Ref.	Ref.
۰/۰۲ ^{***}	۰/۰۱ ^{***}	۰/۰۲ ^{NS}	۰/۰۳ ^{***}	-
۰/۱۴	۰/۳۰	۰/۳۵	۰/۳۵	-
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.
سن				
-	-	-	۰/۴۶ ^{***}	۰/۱۸ ^{***}
-	-	-	۰/۸۹ ^{***}	۰/۵۵ ^{***}
-	-	-	Ref.	Ref.
۰/۰۲ ^{***}	۰/۰۱ ^{***}	۰/۰۲ ^{NS}	۰/۰۳ ^{***}	-
۰/۱۴	۰/۳۰	۰/۳۵	۰/۳۵	-
Ref.	Ref.	Ref.	Ref.	Ref.

نکته: سطوح مختلف معناداری؛ *سطح ۵ درصد ($P < 0.05$)، **سطح ۱ درصد ($P < 0.01$) و ***سطح ۰/۱ درصد ($P < 0.001$) و NS غیرمعنادار

بحث و نتیجه گیری

زندگی مشترک با فرزندان مجرد در میان آنان معمول تر از زنان سالمند است [۱۰]. مقایسه زنان و مردان سالمندی که تنها زندگی می کنند نشان می دهد که افزایش نسبت سالمندانی که تنها زندگی می کنند، ناشی از افزایشی است که برای زنان رخ داده است. در این مورد نکاتی قابل توجه است، اینکه در تمامی سالهای سرشماری، نسبت زنانی که تنها زندگی می کنند نسبت به مردان پرشمارتر بوده است. این تفاوت اساساً از تفاوت های رفتار نکاحی و تفاوت مهم در نسبت ازدواج های مجدد پس از فوت یا طلاق همسر ریشه دارد [۷]. نکته دوم اینکه، عامل مهم دیگری غیر از عوامل جمعیتی می تواند بر تنهایی هر چه بیشتر سالمندان اثرگذار باشد. مهمترین عامل اجتماعی، تمایل بیشتر فرزندان به داشتن فاصله مکانی و زندگی مستقل از والدین سالمند، حتی پس از مرگ پدرانشان، است [۱۱]، همچنین بواسطه تفاوت های امید زندگی بین زنان و مردان، شمار مردان سالمندی که تنها زندگی می کنند نسبت به زنان، کمتر است [۲۴]، علاوه بر این، زنان هم بیشتر از مردان قادرند تنها زندگی کنند و هم از سویی تحت فشار نیروهای جمعیتی - اجتماعی، بیشتر به چنین وضعیتهایی از زندگی تن می دهند [۱۰].

این مطالعه نشان داد که ازدواج نکردن، طلاق و بیوگی تنها زیستی را هم برای مردان و هم برای زنان افزایش می دهد. این شرایط باعث تحمیل تنهازیستی برای سالمندان می شود. این یافته با سایر مطالعات نیز همخوانی دارد [۱۱، ۱۲]

بررسی شیوع تنهازیستی سالمندان در طول پنج دوره سرشماری در سطح کشور، نشان داد که سالمندانی که تنها زندگی می کنند در نواحی شهری و روستایی در حال افزایش هستند. این در حالی است که ازدواج دیرهنگام تر سالمندان و فرزندان آنان و حتی تأخیر در تولد اولین فرزند، اثر کاهش سهم خانوارهای گسترده را تقلیل داده و از طریق افزایش سال های حضور فرزندان مجرد در خانواده پدری، سرعت رواج خانوارهای تک نفره را مهار می کند [۱۰]. در واقع سالمندان تحت تأثیر هنجارهای زندگی خصوصی [۷]، که (از پیامدهای دوره نوسازی و تحت فشارهای زندگی شهری هستند)، غالباً برای پرهیز از اختلال در روابط خود با فرزندان، ترجیح می دهند که زندگی مستقل داشته باشند و این افزایش در حالی مشاهده می شود که سالمندان، والدین آنان و فرزندانشان الگوی پروالادی داشته اند [۱۰]. با افزایش سن، از مراحل اوایل سالمندی (۶۹-۶۰ سال)، به سالمندی میانی (۷۹-۷۰ سال) و کهنسالی (۸۰ سال و بیشتر) نسبت سالمندان تنها بیشتر می شود. این اثر می تواند در رابطه قوی بین سن سالمند و حیات همسر و سن سالمند و جدا شدن فرزندان از خانوار (عمدتاً در اثر ازدواج) ریشه داشته باشد. به عبارت دیگر از آنجایی که مردان دارای همسران جوان تر هستند، فرزندان ازدواج نکرده بیشتری دارند (تفاوت الگوی ازدواج) و نسبت به زنان توانایی اقتصادی بیشتری دارند (نابرابری جنسیتی)، و

سیاست‌گذاری و داشتن برنامه‌ریزی برای ایجاد مراکز رسمی مراقبت از سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند و شبکه حمایت خانوادگی ندارند، بیشتر است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، دولت‌ها و سیاستگذاران، تمایل دارند سیستم‌های خانوادگی را به عنوان منبع حمایت از سالمندان ارزش‌گذاری کنند، اما با توجه به پوشش ضعیف صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌های اصلی و تکمیلی و حمایت مالی ناکافی از یک سو و ضعیف شدن حمایت‌های غیر رسمی و خانوادگی در اثر تغییر شرایط زندگی در جوامع جدید، جدا و دور شدن فرزندان از خانواده (در اثر مهاجرت گسترده فرزندان) و گسترش ایده‌آل‌ها در جامعه مدرن، نیاز به تقویت سیستم‌های حمایت اجتماعی در سنین سالمندی وجود دارد. همچنین این نکته را بایستی مورد توجه قرار داد که سالمندان ایرانی صرفاً به خاطر نبود مراکز رسمی نگهداری از سالمندان، تنها زندگی نمی‌کنند، بلکه مطالعات نشان از این دارند که سالمندان ایرانی به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی و قبح این موضوع ترجیح می‌دهند تنها زندگی کنند، لذا در کنار تلاش جهت ایجاد مراکز نگهداری سالمندان، باید تلاش شود تا با فرهنگ سازی از قبح موضوع کاسته شده و سالمندان با نگرش مثبت تری به زندگی در خانه سالمندان نگاه کنند.

تنهازیستی سالمندان در مناطق روستایی، که یکی از علل اصلی آن، مهاجرت فرزندان از روستا به شهر است، قابل برنامه‌ریزی، پیشگیری و کاهش است. لذا لازم است تا برنامه‌ریزان و سیاستمداران به منظور کاهش تنهازیستی سالمندان و به تبع آن کاهش عوارض ناشی از آن، برای پیشگیری و کاهش مهاجرت افراد جوان از روستاها به شهرها، برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمینی را در سیاستگذاری‌های خود لحاظ نمایند. همچنین لازم است برنامه‌ریزان و سیاستمداران، توسعه متوازن مناطق مختلف از جمله شهرهای کوچک و روستاها را مد نظر قرار دهند. تا بدین وسیله، جریان مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ را کاهش دهند. بدیهی است کاهش جریان مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ، علاوه بر کاهش برخی از مشکلات اجتماعی، از جمله حاشیه‌نشینی و ...، تنهازیستی سالمندان و به تبع آن عوارض ناشی از آن را نیز کاهش خواهد داد.

سهم نویسندگان

مهری شمس قهفرخی: نویسنده مقاله

همچنین ملاحظه شد که هم مردان و هم زنان سالمند روستایی، نسبت به سالمندان شهری تنهاتر هستند که در مطالعه نازبونا و همکاران در سال ۲۰۱۵ نیز همین یافته‌ها گزارش شد. [۲۰]. یکی از علل تنهازیستی بیشتر در روستاها، مهاجرت است؛ در واقع مهاجرت فرزندان، تغییراتی را در ساختار و کارکرد خانواده ایجاد می‌کند. با توجه به سن‌گزین بودن مهاجرت‌ها (بیشتر جمعیت جوان) [۲۵] و جریان مهاجرتی (غالباً روستا-شهری) [۲۶]، باعث شده است که جدایی مکانی والدین از فرزندان در بسیاری از روستاها اتفاق بیافتد. شواهدی وجود ندارد که تحصیلات باعث افزایش تنهازیستی سالمندان را می‌شود، یافته‌ای که در مطالعه واندر نیز دیده شد [۹]؛ اگر چه در مطالعات دیگر، تحصیلات به عنوان عامل بالا بردن تنهازیستی در نظر گرفته شده است [۶-۴].

در بررسی وضع فعالیت نشان داده شد که برای زنان، خانه‌داری تنهازیستی را افزایش می‌دهد، اما برای مردان هیچ کدام از وضع فعالیتها معنادار نشد. به نظر می‌رسد زنانی که متکی به خود هستند سعی می‌کنند استقلال خود را حفظ کنند و با توجه به هنجارهای زندگی خصوصی [۷]، تنها زندگی کنند. در ایران، تنهازیستی با بالا رفتن سن، زندگی در مناطق روستایی، زن بودن، ازدواج نکردن، طلاق، بیوگی، دارای درآمد بدون کار، خانه‌داری و سایر فعالیتها مرتبط است. با توجه به ویژگی مهم وضعیت زندگی سالمندان ایرانی، که افزایش نسبت تنها زیستن و زنانه‌تر شدن این شکل از زندگی است و همچنین با توجه به تغییرات جمعیتی-اجتماعی پیش رو، که انتظار می‌رود این پدیده در آینده گسترش بیشتری داشته باشد، انتظار می‌رود شرایط دشوارتری برای زنان در آینده ایجاد شود. پس لازم است که در طرح‌های کمک و برنامه‌های ارتقای کیفیت زندگی سالمندان به این گروه، خصوصاً زنان سالمندی که تنها زندگی می‌کنند، توجه بیشتری شود.

یکی از بزرگترین نابرابریهایی که ریشه در سنت اجتماعی به ویژه در محدودیت اجتماعی برای ازدواج مجدد زنان بویژه در سنین بالا دارد، در نسبت سالمندانی است که در این دوره پراهمیت زندگی، از عضویت در شبکه‌های اجتماعی محروم هستند. همسر بویژه به عنوان مهمترین تکیه‌گاه در برآوردن نیازهای مالی و حتی سرپناه، مهمترین عضو خانواده سالمندان زن است و یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که نسبت سالمندان زن تنها به مراتب بالاتر از سالمندان مرد تنها است. پس با توجه به آسیب پذیر بودن سالمندانی که تنها زندگی می‌کنند، مخصوصاً با افزایش سن، نیاز به

منابع

1. United Nations, Living Arrangements of Older Persons: A Report on an Expanded International Dataset, Population Division. Division Department of Economic and Social Affairs 2017; 1-55 [Available from: <https://www.un.org/en/development/desa/population/publications/pdf/ageing/LivingArrangements.pdf>]
2. Victor C. The social context of ageing: A textbook of gerontology. 1th Edition: Routledge, London, United Kingdom, 2005
3. Moen P, Wethington E. The concept of family adaptive strategies. *Annual Review of Sociology* 1992; 18: 233-251
4. Martin LG. Living arrangements of the elderly in Fiji, Korea, Malaysia, and the Philippines. *Demography* 1989; 26: 627-643
5. DaVanzo J, Chan A. Living arrangements of older Malaysians: Who coresides with their adult children? *Demography* 1994; 31: 95-113
6. Palloni A. Living arrangements of older persons. In *Living arrangements of older persons: critical issues and policy responses*, Population Bulletin of the United Nations, Special issue no. 42/43. New York: United Nations 2001. [Available from: <https://www.un.org/en/development/desa/population/events/pdf/expert/1/palloni.pdf>]
7. Bongaarts J, Zimmer Z. Living arrangements of older adults in the developing world: an analysis of demographic and health survey household surveys. *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences* 2002; 57: 145-157
8. Haslbeck JW, McCorkle R, Schaeffer D. Chronic illness self-management while living alone in later life: a systematic integrative review. *Research on Aging* 2012; 34: 507-547
9. Wandera SO, Ddumba I, Akinyemi JO, Adedini SA, Odimegwu C. Living alone among older persons in Uganda: Prevalence and associated factors. *Ageing International* 2017; 1; 42:429-446
10. Koosheshi M. Living Arrangements, Kin support network and health Status of elderly in Tehran city, thesis in Demography, Tehran 2008 [Persian]
11. Kosheshi M, Khosravi A, Alizadeh M, Torkashvand M, Aghaei N, Population ageing in Iran. 2014; United Nations Population Fund: Iran: 143. [Available from: https://iran.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/Population%20Ageing%20in%20Iran_2.pdf]
12. Torabi F, Abbasi-Shavazi MJ, Askari-Nodoushan A. Trends in and patterns of solo living in Iran: an exploratory analysis. *Journal of Population Research* 2015; 32: 243-261.
13. Cornwell EY, Waite LJ. Social disconnectedness, perceived isolation, and health among older adults. *Journal of Health and Social Behavior* 2009; 50:31-48.
14. Dykstra PA. Older adult loneliness: myths and realities. *European Journal of Ageing* 2009; 6:91
15. Lim LL, Kua EH. Living alone, loneliness, and psychological well-being of older persons in Singapore. *Current Gerontology and Geriatrics Research* 2011; 2011:9
16. Millán-Calenti JC, Sánchez A, Lorenzo-López L, Cao R, Maseda A. Influence of social support on older adults with cognitive impairment, depressive symptoms, or both coexisting. *The International Journal of Aging and Human Development* 2013; 76:199-214
17. Mui AC. Living alone and depression among older Chinese immigrants. *Journal of Gerontological Social Work* 1999; 30:147-66
18. Russell D, Taylor J. Living alone and depressive symptoms: the influence of gender, physical disability, and social support among Hispanic and non-Hispanic older adults. *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences* 2009; 64:95-104
19. Iecovich E, Jacobs JM, Stessman J. Loneliness, social networks, and mortality: 18 years of follow-up. *The International Journal of Aging and Human Development* 2011; 72:243-263
20. Nzabona A, Ntozi J, Rutaremwa G. Loneliness among older persons in Uganda: examining social, economic and demographic risk factors. *Ageing & Society* 2016; 36:860-888
21. Goode WJ. *World revolution and family patterns*. 1th Edition, Free Press of Glencoe, United States, New York, 1963
22. Statistical Centre of Iran. Results of the 1986-2016 population and housing censuses 2016a, Statistical Centre of Iran. [Available from: www.amar.org.ir] [Persian]
23. Statistical Centre of Iran. The 2 % sample results of the 2016 population and housing censuses. Statistical Centre of Iran 2016b. [Available from: www.amar.org.ir] [Persian]

24. de Jong-Gierveld J, Social networks and social well-being of older men and women living alone, in Gender and ageing: changing roles and relationships, S. Arber, K. Davidson, and J. Ginn, 1th Edition, Open University Press:the United Kingdom, 2003
25. Mahmoudiyan H. Internal Migration and Urbanization in Iran: Status quo, Challenges and Policy Guidelines. Policy Papers: Emerging Population Issues in IR of Iran 2015; 1:47-55
26. pumain D, The Urbanization process, in Demography: Analysis and Synthesis, Four Volume Set: A Treatise in Population, Caselli G, Vallin J, Wunsch G. 1th Edition, Elsevier, Amsterdam, Netherlands 2005

ABSTRACT

Prevalence and correlates of living alone among elderly in Iran

Mehri Shams Ghahfarokhi^{1*}

1. Faculty of Literature, Isfahan University, Isfahan, Iran

Payesh 2019; 18(4): 357- 367

Accepted for publication: 26 August 2019

[EPub a head of print-31 August 2019]

Objective (s): This study examined the pattern and trend of living alone among elderly during the last five censuses in Iran.

Methods: Data were obtained from two main sources: published Iranian population and housing census (1986, 1996, 2006, 2011 and 2016), and the individual data of 2% census in 2016. Then the characteristics of the sole elderly are described and the extent to which living alone is related to socioeconomic and demographic characteristics is determined. In order to investigate the relative importance of different correlates of the elderly living alone, a set of logistic regression models using STATA software for individual data of 2016 census has been used.

Results: The proportion of the elderly who lived alone was 13.9%, 9.9%, 9.9%, 14.5%, and 14.9% in 1986, 1996, 2006, 2011 and 2016 respectively. Living alone was associated with residence in urban, being male, having a secondary and high school education, being widowed, divorced, single, being housewife, having income with no job, age 60-69, and age 70-79. The variables included in the analysis were able to explain 43% of the variation in living alone in the whole sample (48% for men and 35% for women).

Conclusion: In Iran, living alone increased with age, life in urban areas, being a woman, being single, divorced, widowhood, being low educated, housekeeper and unemployment. If the ageing and the lack of supporting organizations continue to increase, then more difficult conditions will be created for elderly the future. Thus, considering the vulnerability of elderly people who live alone, the need for more appropriate policy and planning is required.

Key Words: Elder, Solo Living, Marital Status, Place of Residence, Sex, Age, Iran

* Corresponding author: Faculty of Literature, Isfahan University, Isfahan, Iran
E-mail: mehri_shams2001@yahoo.com